

## مردمی شدن نشر

در جست‌وجوی سوییجه‌های جدید صنعت نشر چه باید کرد؟

هیچ تلاش و کوششی نمی‌کند. حتما زحمات زیادی کشیده شده است اما همه می‌دانیم که یک استعداد متوسط در منطقه برخوردار تهران، چقدر راحت‌تر از یک استعداد بی‌نظیر در یک روستای دورافتاده لب مرز به عنوان یک نویسنده می‌تواند مطرح شود.

همه اینها را بیان کردم و خیلی از سخنان را ننوشتیم که این مفهوم را منتقل کنم که صنعت نشر ما نسبت زیادی با مردم ندارد. طبیعتاً مردم هم به همان میزان به صنعت نشر واکنش نشان می‌دهند و با آن ارتباط می‌گیرند. مردم وقتی محتوا را مورد نیاز خود نبینند، وقتی احساس عدالت نکنند نسبت به کشف و پرورش استعدادهای خود یا نزدیکیان خود و وقتی دسترسی‌های پخش و توزیع و ترویج در شهرها متفاوت از هم باشد، آنها هم به همین شکل واکنش نشان می‌دهند.

ما در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم. یکی از ویژگی‌های عصر دیجیتال، حضور مردم در تصمیمات مختلف است. اینجا آسیب‌های گمراه کردن مردم با استفاده از امکانات دیجیتال که بعضاً توسط باندهای قدرت و ثروت یا افراد سودجو در همه دنیا انجام می‌شود، مطمح نظر نیست. حتماً در جای خود، با بالا بردن سواد رسانه‌ای مردم یا با زیرساخت‌های مناسب برای ایجاد امنیت در فضای مجازی باید با سودجویان مقابله کرد. سخن اینجا از حضور جمعی، تحول آفرین و مثبت مردم است.

سال‌های نخستین ورود اینترنت به ایران، هنوز در خاطر افراد مختلف هست. صفحات ضد‌دین و ضد‌اخلاق، لااقل در بین صفحات فارسی، میزان قابل توجهی از محتوا را به خود اختصاص داده بود. شروع وبلاگ‌نویسی و ورود مردم به تولید محتوا در فضای مجازی، ورق را برگرداند و میزان غالب محتوای فارسی، محتوای سالم شد. ایرانیان نشان دادند که تمایل زیادی به تولید محتوا دارند و حتی با وجود اینکه ضریب نفوذ اینترنت در کشور پایین بود، در بین ۱۰ کشور اول دنیا در آن سال‌ها در عرصه وبلاگ‌نویسی قرار گرفتند.

به نظر نگارنده می‌توان از این امکان عصر دیجیتال برای توسعه کتابخوانی بهره‌فرآوانی گرفت. در عصر دیجیتال به جای آنکه یک نفر یا یک گروه تولید محتوا کنند و همه نگاه کنند، می‌توان از الگوی تولید محتوای «همه برای همه»

محاوره‌های روزانه‌شان ممکن است در مورد یک سریال یا برنامه تلویزیونی یا کلیپ پربازدید در اینستاگرام صحبت کنند ولی در مورد یک کتاب مگر در حلقه‌های اهل کتابخوانی صحبتی نمی‌شود.

حتماً دلایل متعدد و گوناگونی برای این مسئله وجود دارد اما یکی از دلایل اصلی آن می‌تواند فقدان نظام مدیریت محتوای مطلوب در کشور باشد. در یک نظام مدیریت محتوای جامع، قدم اول نیازسنجی مخاطب است. محتوای تولید شده باید مورد نیاز مخاطب باشد یا لااقل برای آن نیازسازی انجام شود. نویسندگان اگر از یک یا دو سبک زندگی خاص رشد پیدا کرده باشند و با قومیت‌های مختلف و مردم مناطق برخوردار و کمتربرخوردار نشست و برخاست نکرده باشند و نیازهای قشرهای مختلف مردم را نشناخته باشند، همه شبیه هم می‌نویسند. موضوعات و مسائل پرداخته شده در کتب برای همان چند سبک زندگی خاص می‌شود و عموم مردم با آن احساس نیاز پیدا نمی‌کنند یا بعد از مدتی برای آنها تکراری می‌شود.

شاید در این مرحله نویسنده هم بی‌تقصیر باشد. نویسندگی به طور کلی در کشور ما یک حرفه نیست و نویسندگان مجبورند برای تأمین معاش خودشان، شغل دیگری هم داشته باشند. بنابراین فرصت یا امکانات کافی برای سفر به مناطق مختلف و شناخت نیازهای مردم برای آنها متصور نیست. پژوهش، افکارسنجی و نیازسنجی مناسب هم یا توسط نهادهای حاکمیتی به صورت جامع و علمی وجود ندارد یا اگر وجود دارد، در اختیار نویسندگان قرار نمی‌گیرد یا حتی اگر دسترسی‌هایی می‌توان به آنها پیدا کرد، اطلاع‌رسانی مناسب در مورد آنها نشده است و خلاصه اینکه در اجرا به مشکلات مختلف می‌خورد.

از سوی دیگر در مناطق دور از مرکز، امکانات کمتری برای رشد نویسندگان خوب وجود دارد. استعدادهای کم‌نظیری که بعضاً در روستاهای دورافتاده کشور نمی‌توانند در آموزش‌های مناسب شرکت کنند یا اگر شرکت می‌کنند به آنها فرصت کافی برای بروز و ظهور در مقام عمل داده نمی‌شود و آثار آنان منتشر و تبلیغ نمی‌شود. این جملات به این معنی نیست که هیچ نهاد و موسسه‌ای



قاسم صفایی نژاد  
مدیر نشر صاد

«کتاب، تنها عامل دگرگونی آگاهی بشر در سال‌های پس از اختراع چاپ نبوده است. بسیاری از فناوری‌ها و روندهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی دیگر هم نقش مهمی ایفا کرده‌اند اما کتاب در مرکز تمام این تغییرات بوده است.» این جمله از «نیکلاس کار» نشان‌دهنده اهمیت کتاب در جامعه بشری است. طبیعتاً این جمله در مورد کشورهای مختلف، تطابق کمتر و زیادتری دارد. در جوامعی که زودتر مردم باسواد شده‌اند، شاید این جمله مصداق بیشتری داشته باشد و در جوامعی که کمتر باسواد هستند یا دهه‌ها و بلکه قرن‌ها دیرتر باسواد شده‌اند، مصداق کمتری داشته باشد.

همه می‌دانیم با اینکه ایران جزو اولین تمدن‌هایی بوده است که نقش کتاب در آن جدی بوده و کتابخانه‌های معروف آن محل آمد و شد دانشمندان از سراسر دنیا بوده است، اما کتابخوانی عادت روزانه مردم نبوده است. قرن‌ها استبداد و استعمار باعث شد که سطح سواد مردم پایین نگه داشته شود و کتابخوانی در انحصار طبقه اشراف و حکام باقی بماند. در دهه‌های اخیر عموم مردم ایران باسواد شده‌اند و می‌توان انتظار داشت که کتابخوانی به یک ارزش و عادت روزانه تبدیل شود اما طبیعتاً تغییر سیاست‌ها، قوانین، حمایت‌ها و روش‌های اجرایی لازم است تا شرایط تغییر کند. ما دیرتر از جوامع توسعه‌یافته باسواد شده‌ایم و شاید یک قرن پیش با نبود سایر وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی، کتابخوان شدن راحت‌تر بود و امروزه با وجود این شرایط جدید، کتابخوان شدن کمی سخت‌تر شده باشد.

یکی از مسائل مهم در علاقه‌مند کردن مردم به کتابخوانی، ارزش‌آفرینی برای کتاب و کتابخوانی است. کتاب و کتابخوانی از نظر عامه مردم، یک کالای لوکس و یک پز روشنفکری محسوب می‌شود و نه یک نیاز روزانه. مردم در

آیا غنای اندک به سود همه ماست؟



■ زیگمونت باومن  
■ ترجمه محمد غفوری

نویسنده چهار داعیه اصلی اقتصاد سرمایه‌ساز را به چالش می‌کشد: رشد اقتصاد غایت و مقصود سازماندهی اجتماعی و سیاسی است؛ افزایش مداوم مصرف ضمن خوشبختی است؛ نابرابری بخشی از طبیعت انسان است و در نهایت رقابت یکی از پیش شرط‌های عدالت اجتماعی است. باومن ضمن نقد مفصل مصرف‌گرایی، شرحی انتقادی از زیرساخت اخلاقی که نابرابری معاصر را وجاهت می‌بخشد، ارائه می‌کند.

گنگ خوابیده



■ بهزاد جامه‌بزرگ  
■ با مقدمه رضا داوری

این کتاب تحلیلی از نخستین مواجهه ایرانیان با تمدن جدید غربی است و می‌تواند آینه‌ای باشد که نویسنده کتاب در برابر ما قرار داده و از ما خواسته است که صورت و سیرت فهم را در آن تماشا کنیم. نویسنده از حیث نوع رساله‌های انتخابی برای تحلیل، آثار سفرنامه‌نویسان ایرانی و از حیث زمانی سفرنامه‌های نگارش یافته دوره قاجار را مدنظر قرار داده است.

روانشناسی سیاسی تجاوز جنسی در جنگ



■ اینگر شلزباک  
■ ترجمه فاطمه  
روح‌الامینی

این کتاب قصد دارد با بیان برخی مطالعات روان‌شناسی سیاسی در زمینه تجربه‌های تجاوز جنسی در جنگ، این مطالعات را در بافتار سیاسی و نظری وسیع‌تری مفهوم‌آفرینی کند. نویسنده با بررسی تجربی و مطالعه موردی بوسنی، یک چارچوب مفهومی برای شناخت خشونت جنسی در جنگ و تأثیرات آن ارائه می‌دهد و یک الگوی روشمند را برای مطالعه خشونت جنسی در جنگ پیشنهاد می‌کند.